

نظریه سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن

سیدمحمد موسوی*

محسن باقری فر**

چکیده

بدون شک انقلاب اسلامی ایران یکی از مؤثرترین تحولات در دهه‌های اخیر خاورمیانه محسوب می‌شود، و روح و اندیشه این انقلاب در بسیاری از تحولات منطقه‌ای به‌طور چشمگیری تأثیرگذار بوده است. با توجه به اهمیت تحولات اخیر در خاورمیانه هدف پژوهش حاضر بررسی، تجزیه و تحلیل ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود در بطن این تحولات برای انقلاب اسلامی ایران در راستای تأثیرگذاری و الگودهی به این جنبش‌ها به‌ویژه جنبش مردم یمن می‌باشد. ارتباط انقلاب اسلامی ایران با تحولات دهه‌ی اخیر خاورمیانه، از مباحثی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. از طرفی تحولات اخیر یمن از مباحثی است که سؤالات فراوانی را پیش‌روی پژوهشگران قرار داده و فهم آینده مسایل مرتبط با این حوزه را از اهمیت فراوانی برخوردار ساخته است. بر این اساس سؤال اصلی مقاله حاضر این است انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در جنبش الحوثی (انصارالله) و تحولات اخیر یمن داشته است؟ و بازتاب‌های آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران در مسلمانان به‌ویژه شیعیان کشور یمن به چه صورت بوده است؟ یافته اصلی این نوشتار دلالت می‌کند که جنبش انصارا... و انقلاب مردم یمن، به‌دلیل ماهیت شیعی از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است و انقلاب این کشور با الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران تا کنون به پیروزی‌هایی دست یافته است. نگارنده با استفاده از چهارچوب نظری سازه‌انگاری و با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در صدد دستیابی به عوامل زیرساختی ایجاد اعتراض‌های مردمی در این کشور و شناخت ماهیت این جنبش، و ارتباط آن با انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، زیرا که این امر مهم برای پیش‌بینی تحولات بعدی منطقه ضروری است.

کلید واژه‌ها: جنبش انصارا...، انقلاب یمن، انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی(ره)، نظریه

سازه‌انگاری

Email: s46mosavi@yahoo.com

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۲۲

مقدمه

بررسی ماهیت خیزش در هر عصر و مکانی، نیازمند تحلیل برخوردها و مواجهه‌های آن با سایر انقلاب‌ها و الگوپذیری آن با دیگر عوامل هم عصر خود است. تحلیلی که بتوان بر مبنای آن در ابتدا، شکاف‌های موجود در جامعه را عنوان کرد و سپس راهکارهای عبور از این شکاف‌ها را در خیزش‌های برپا خواسته ارزیابی نمود. در توجیه علت هر حرکتی باید معلول را به‌خوبی بررسی نمود و پس از بررسی جنبه‌های مختلف تأثیرگذار در علت بیان شده به نگرشی واحد دست یافت. منظور از نگرش واحد، یعنی عواملی که در نهایت تبدیل به موجی می‌شوند و این موج فکری و بصیرت اجتماعی در اثر رشد و نمو روشنفکری، موجبات خیزشی را مهیا می‌کند که در نهایت بهاری از اندیشه‌ها را در اجتماع استکبار زده و خفقان استبداد می‌آفریند. اگر رشد و روند این جریان‌ها در جوامع دیکتاتوری به‌طوری نباشند که ریشه‌های خود را پرورش دهند، بدون شک باعث هیچ حرکتی از سوی عموم مردم نخواهند بود. چرا که هیچ انقلابی یا حرکتی بدون داشتن ریشه‌های مختلف اجتماعی و مواجهه‌های سرکوب‌شده گذشتگان یا شکاف‌های سرمایه‌داری، فرهنگی و سیاسی شکل منسجمی را به‌خود نگرفته است.

بررسی خاستگاه حرکت‌های مردمی در جریان انقلاب‌ها نشان می‌دهد که صعود جامعه‌ی تازه متولد شده از بستر ظلم و استبداد، زمانی اتفاق می‌افتد که مردم از مبنای خواسته‌های خویش تا تشکیل دولت انتخابی دفاع کنند. اگر همان رشد روند فکری را بتوانند تا نهایت استقرار خویش - حکومت خود ساخته - دوام دهند و دست سودجویان و بیگانگان را کوتاه کنند، بدون تردید راه را به سوی جهانی تازه (از نظر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی) آغاز نموده‌اند. ماهیت خیزش و انقلابی مردم ستم دیده در نقطه مشخص متولد می‌شود و طی روندی به مانند نمودارهای صعودی، سیر خود را تا نقطه‌ی اوج یعنی سرنگونی حکومت ادامه می‌دهد. نقطه اوج این خیزش‌ها تکلیف را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، نحوه‌ی سرنگونی حکومت سابق تعیین‌کننده‌ی روند این خیزش می‌باشد که آیا نمودار به اوج رسیده، سیر نزولی خواهد داشت یا نه؟ حکایت نزولی بودن نمودار این حرکت‌ها یا به عبارتی انقلاب‌ها نیز بستگی به ماهیت حزب‌ها یا حکومت‌های آینده و سیاست‌های پیش‌بینی شده آن‌ها دارد. اما وجود ثروتی عظیم و طلای سیاه که سعادت و بدبختی را در ترازوی خویش یکسان می‌گرداند، بهانه‌ی مناسبی به‌دست ابر قدرت‌های فرصت‌طلب می‌دهد. نفت، غارت شرف و آزادی انسانی است از مردمی که برای اثبات واژه‌های به غارت رفته در مقابل گلوله‌های سربی می‌ایستند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۹-۱۹۸).

کاوش در لایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی به‌خصوص منطقه خاورمیانه باعث شکوفایی ابعادی می‌شوند که پژوهش را امری واجب و ضروری می‌گرداند. در همین راستا، تحولات خاورمیانه بهانه پژوهشی مناسبی بود تا نقش انقلاب اسلامی ایران بر علت‌ها و عوامل خیزش در کشور یمن را ارزیابی کند و چالش‌ها را مورد نقد قرار دهد. بررسی علت‌ها با نگاهی دور از جامعه در حال تحول و ارزیابی عوامل مؤثر آن در شرایطی امکان‌پذیر است که بتوان قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی را نیز ارزیابی نمود. بررسی حرکت امواج مردمی در فضای سیاسی حاکم، فرض را بر این استوار می‌گرداند که ریشه‌های این حرکت‌ها و خیزش‌ها، نه تنها در عوامل داخلی نهفته است بلکه تأثیرات بسیار مهمی را نیز از دنیای اطراف بر گرفته است.

بیان مسأله

هویت هر ملت، موضوعی در قلمرو جغرافیای سیاسی و نیز مربوط به چگونگی پیدایش و بقای آن است. بدیهی است احساس تعلق فرد به جامعه و محیط جغرافیایی، هویتی ویژه به فرد و جامعه پیرامونی وی می‌بخشد. بنابراین، ملت همواره عنصری هویت‌بخش بوده است (کرایچ، ۱۹۶۵). در این راستا، زبان و دین، از عناصر مهم هویتی ملت‌ها برشمرده می‌شوند. برخی معتقدند ملت و هویت ملی، بر ساخته روایت‌های سازه‌نگارانه است که در آن، ملت‌ها با به یاد آوردن خاطرات تداوم می‌یابند و درک آنان از هویتشان، بر اساس روایت‌هایی ساخته می‌شود که به‌وسیله خاطره برانگیخته می‌شوند. ریموند هینه بوش معتقد است کسب هویت برای ایجاد نظم هنجاری مطلوب در سیستم عربی یا اسلامی، با وام گرفتن از پان‌عربیسم یا پان‌اسلامیسم، روابط بین‌الملل خاورمیانه‌ای را تحت تأثیر خود قرار داده است (هینه‌بوش، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

از منظر هویتی، ارتباط مذهب و سیاست در خاورمیانه، بیش از دیگر نقاط مشاهده می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده این هویت در کشورهای منطقه، عامل دین است. به بیان دیگر، جدایی دین از دولت، آن‌چنان که در غرب نمودار شد، در خاورمیانه رخ نداد و بسیاری از حاکمان منطقه، داعیه رهبری دینی داشته و دارند (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۰: ۱۳۷). این مسأله در کشور یمن نیز رخ داد. یمن بعد از فروپاشی عثمانی به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم شد که بعدها به اتحاد رسیدند و کشور یمن متحد ایجاد شد. البته این اتحاد در ساختار جغرافیایی روی داد. ولی در ساختار حکومتی و سیاسی پیوسته میان شیعیان شمال و سنی‌های جنوب بر سر حکومت و نوع آن اختلاف بوده است. همان‌گونه که بیان شد دو مذهب شیعی زیدی و مذهب اهل سنت عامل هویتی و مذهبی این کشور را تشکیل داده است و بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها بین این دو

گروه بر سر قدرت بوده است. در این میان پذیرش و قبول ایدئولوژی و تفکرات انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلاب مذهبی - سیاسی و نقش کاریزماتیک امام خمینی(ره) بر رهبران گروه‌های شیعی مخصوصاً جنبش انصارالله قابل بررسی و امعان نظر است. که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

چهارچوب نظری

نظریه‌ها از سه زاویه به مطالعه سیاست خارجی می‌پردازند. دسته اول نقش عوامل مادی و محیطی (داخلی و خارجی) را علت اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌کند. این دسته که در تاریخ نظریه‌های روابط بین‌الملل به خردگرایان مشهور هستند در دو طیف قرار می‌گیرند. نخست، نظریه‌هایی هستند که به سطح کلان می‌پردازند و ساختار نظام بین‌الملل را تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها قلمداد می‌کنند. دوم نظریه‌هایی هستند که به توضیح سیاست خارجی دولت‌ها در سطح خرد می‌پردازند و به عوامل داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند (مارتین، ۱۹۹۹: ۴۴).

دسته دوم نظریه‌های معناگرا هستند که بر نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی در سیاست خارجی تأکید دارند. دسته سوم نظریه‌هایی هستند که از نگرش تلفیقی دفاع می‌کنند، در این نظریه‌ها ضمن توجه به عوامل مادی بر نقش و اهمیت مؤلفه‌های معناگرایانه نیز تأکید شده است. یکی از مهم‌ترین این نظریه‌ها رهیافت سازه‌انگاری است. این رهیافت که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث روابط بین‌الملل شد، ریشه در مسأله جامعه‌شناختی دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن مطرح شد. فردریک کراتوچل^۱، نیکلاس اونف^۲ و الکساندر ونت^۳؛ متفکران اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۲: ۵۶۴). از منظر سازه-انگاری هویت، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها بازی می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان براساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی تجربه تاریخی، هویت، فرهنگ و حضور در نهادهاست تصمیم‌گیری می‌کنند. آنچه در میان عوامل غیرمادی برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی بیشتر مورد توجه سازه‌انگاران قرار گرفته مسأله هویت است. که این عامل در موضوع بحث ما بیشتر از دو عامل مذهب و قبیله نشأت گرفته است. دو عاملی که در کشور یمن نقش اصلی را در بروز اختلافات دستگاه حکومتی و

^۱. feredrich Kratochwil

^۲. Nicolas ounef

^۳. Alexander wendt

نیروهای اجتماعی و دینی ایجاد کرده است. البته عوامل دیگری نیز در این میان تأثیرگذار بوده و هست. عواملی مانند نفوذ سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای همسایه و دوست، نقش ایدئولوژیک انقلاب‌هایی مانند انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی که به فراخور مطالب به آن‌ها پرداخته می‌شود.

کشور یمن^۱

برای فهم بهتر موضوع و دستیابی به اطلاعات اولیه، به ساختار جغرافیایی و سیاسی کشور یمن می‌پردازیم. یمن کشوری عربی در جنوب‌غربی آسیا و در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع در خاورمیانه، و پایتخت آن شهر صنعا است. یمن ۵۲۷.۹۶۸ کیلومتر مربع گستردگی دارد. جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۴ بر اساس آمار سایت کتاب حقایق جهانی سیا در حدود ۲۶.۰۵۲.۹۶۶ میلیون نفر بوده است (پایگاه کتاب حقایق جهانی-۲۰۱۴). که این تعداد شامل ۹۹.۱٪ مسلمانان (۶۵٪ سنی و ۳۵٪ شیعه) و ۰.۹٪ مابقی از سایر ادیان و مذاهب می‌باشند. زبان رسمی این کشور عربی و حکومت آن نیز جمهوری می‌باشد. یمن دارای دو ساحل مهم است، ساحلی غربی در کرانه دریای سرخ و ساحلی جنوبی در کرانه دریای عرب، همچنین دارای چند جزیره است که مهم‌ترین آن‌ها جزیره سقطره در دریای عرب و جزیره حنیش در دریای سرخ است. یمن تا قبل از سال ۱۹۹۰ میلادی دو کشور همجوار به نام‌های: جمهوری عربی یمن (یمن شمالی که دارای مناطق کوهستانی و صعب‌العبور است) و جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی که منطقه‌ای هموار می‌باشد) بوده است. در سال ۱۹۹۰ طی پیمانی این دو کشور با هم متحد شدند و جمهوری یمن به وجود آمد. اما در سال ۱۹۹۴ جنگ خونینی بین دو طرف رخ داد، که سرانجام شمالی‌ها بر جنوبی‌ها چیره شدند و اتحاد پابرجا ماند.

تقسیمات شمالی و جنوبی یمن باعث شده که یمن شمالی از همان ابتدا به دلیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن آن، کمتر مورد تعرض قرار گیرد؛ به‌خصوص از زمانی که حکومت امامان زیدی در سال ۸۱۸ در این منطقه شکل گرفت، بافت فرهنگی و اجتماعی آن به شکل نسبتاً پایدار و ثابت و البته متفاوت از دیگر بخش‌های این کشور شکل گرفت. برعکس، قسمت جنوبی به دلیل اینکه در کناره‌ی دریای سرخ و خلیج عدن و مشرف بر تنگه‌ی «باب المندب» است و یک منطقه با ناهمواری‌های طبیعی اندکی است، تحت تأثیر فرهنگ و ارتباطات مختلف بوده است و همواره

^۱. الجمهورية اليمنية

حکومت‌های مختلف به آن تعرض کرده‌اند؛ از جمله، در قبل از اسلام، رومیان و بعدها، اسماعیلیان، ایوبیان و در آخر هم، بریتانیا این منطقه و به‌ویژه بندر عدن را تحت سیطره‌ی خود در آورده‌اند. دو عاملی که تأثیر بسیار زیادی بر ساختار و الگوهای حکومتی این کشور داشته است قبیله‌گرایی و وجود پایگاه‌های القاعده در این کشور است ضمن این‌که همان‌طور که در بالا ذکر شد خود تقسیمات کشوری شمالی و جنوبی نیز عامل اصلی بسیاری از مشکلات و درگیری‌ها بوده است (جوکار، ۱۳۹۱: سایت پرسمان سیاسی).

جامعه‌ی یمن، جامعه‌ای قبیله‌ای- سنتی است که الگوهای رفتاری مردم به‌شدت از بافت قبیله‌ای آن متأثر است. قبیله‌ها در یمن نقش تأثیرگذاری در ساختار سیاسی قدرت دارند به‌طوری‌که آن‌ها همیشه یکی از نیروهای ناسازگار با هجوم خارجی بوده‌اند مثل مقاومت قبایل در برابر استعمار انگلیس. از طرفی نیز، این قبایل به‌عنوان یکی از ابزارهای نفوذ دیگر کشورها بوده‌اند مثل عربستان که دارای روابط سنتی و دیرینه با قبایل یمن است. همچنین تسلط عرف‌های قبیله‌ای بر ساختار جامعه باعث شکل‌گیری منازعات درون قومی و بین قبیله‌ای می‌شود.

یکی دیگر از مشکلاتی که یمن از آن در رنج است، حضور گسترده‌ی القاعده در یمن می‌باشد که خسارات زیادی را به منافع یمن وارد کرده است و باعث دخالت آمریکا و دیگر کشورها در این کشور شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۹).

درگیری‌های نیروهای شمال و جنوب یکی دیگر از مشکلات یمن بوده است. از زمان درگیری دولت یمن در جنوب با گروه‌های شیعه در شمال چند سالی می‌گذرد. در سال ۲۰۰۷ پیمان صلحی میان دو طرف امضا شد که هرگز بدان عمل نشد. سال بعد با میانجی‌گری قطر، دیداری میان نمایندگان دو طرف در دوحه برای انجام مقدمات پیمانی دیگر شکل گرفت. در اوت ۲۰۰۹، علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن اعلام کرد مبارزان شیعه مایل به برقراری آرامش نبودند و بدین ترتیب درگیری‌ها از سر گرفته شد. عربستان سعودی و مصر نقش پررنگی در حملات ارتش یمن به شیعیان داشتند. علی عبدالله صالح در سال ۱۹۹۰ و پس از آن که ۱۲ سال ریاست جمهوری یمن شمالی را در اختیار داشت با اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی یمن، حدود سه دهه به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن متحد بود. او از سال‌های میانی دهه ۲۰۰۰ با ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی قراردادهایی به امضا رساند. پس از آن اعلام کرد به هر نحو حتی با توسل به گزینه نظامی، گروه الحوثی را در صعدہ سرکوب خواهد کرد. صالح اسماً شیعه زیدی بود، اما عملکرد وی نمایانگر قرابت وی با بعثی‌ها و سیاست‌های ضدشیعی است. سیاست‌های وی عموماً ضد زیدی‌ها و حامی جریان وهابیت بود (بارون، ۲۰۱۲).

زیدی‌ها نیز همانند دیگر گروه‌های یمنی در مبارزه برضد حکومت عبدالله صالح شرکت کردند. نقطه‌ی مشترکی که گروه‌های مختلف یمنی (زیدی، جدایی‌طلبان جنوب، القاعده، جوانان میدان‌التغییر و...) را در اعتراض‌های منجر به سقوط صالح در کنار یکدیگر قرار داد، مخالفت با صالح و تلاش برای سقوط وی بود. زیدی‌های شمال و جنبش الحوثی نیز در سقوط صالح نقشی اساسی داشتند. دو دلیل اصلی برای مخالفت زیدی‌ها و نقش آن‌ها در سقوط صالح وجود دارد. یک دلیل مذهبی؛ زیدی‌ها که تا زمان کودتای ۱۹۶۲م. زیر نظر رژیم امامت در شمال یمن قرار داشتند، بعد از کودتا و روی کارآمدن رژیم جمهوری، مدام در پی احیای رژیم امامت به راه‌های مختلف بوده‌اند. چرا که زیدی‌ها حکومت را حق امامان زیدی می‌دانند؛ امری که مشروعیت حکومت غیر امام را رد می‌کند و باعث اعتراض و طغیان برضد آن می‌شود. دلیل دوم به سیاست‌های عبدالله صالح در قبال زیدی‌ها و به حاشیه‌راندن آن‌ها باز می‌گردد. این مخالفت از دو جنبه اعمال می‌شد: مردم قبایلی که احساس می‌کردند رؤسای قبایلشان با حکومت صالح هم پیوند شده‌اند و توجهی به خواسته‌ها و نیازهای مناطق روستایی شمال ندارند، و قبایلی که به‌وسیله‌ی رژیم عبدالله صالح به حاشیه‌رانده شده بودند و صالح آن‌ها را سرکوب می‌کرد (جوکار، ۱۳۹۱: سایت پرس‌مان سیاسی).

همان‌گونه که بیان شد از جمله عوامل ایجاد اعتراض و شروع انقلاب یمن بر دو عامل استوار بود. یکی از آن دلایل، ساختار و نوع حکومت و اداره کشور یمن توسط حاکمانش و دیگری بحث مذهبی و افکار و نظرات رهبران شیعیان زیدی بوده است که لازم است برای درک بهتر موضوع پژوهش با این دو موضوع بیشتر آشنا گردیم.

حکومت یمن

در ساختار حکومتی و نوع برخوردهای عوامل حکومتی و مخصوصاً رئیس‌جمهور وقت (علی عبدالله صالح) وجود تعارضات و اختلافات زیادی بین صالح و زیدیها و شیعیان وجود داشته است. به دلیل ساختار حکومتی یمن که بر پایه جمهوری دمکراتیک بنا شده و بدلائل مختلفی از جمله استبداد عبدالله صالح و عدم استفاده از نیروهای اجتماعی و دینی مانند شیعیان و جنبش انصارالله در امور حکومتی، و حتی به حاشیه‌راندن آن‌ها و درگیری‌های مختلف و سرکوب آن‌ها، مشکلات عدیده‌ای بر سر راه حکومت یمن ایجاد شد. ضمن این‌که حمایت و همکاری عربستان و آمریکا از سیاست‌های این کشور در قبال گروه شیعیان زیدی و جنبش انصارالله موجب اختلافات ریشه داری را باعث گردیده است. که در نهایت با شروع انقلابات ۲۰۱۰ عربی، جنبش انصارالله و مردم

یمن نیز به اعتراض علیه حکومت صالح قیام کردند و تا سرنگونی وی فعالیت خود را ادامه دادند. ولی با روی کار آمدن منصور هادی، دوباره همان سیاست‌های قبلی پیگیری شد و این بار انصارالله با روشی نظامی و شدید وارد عمل شد و با تصرف بعضی از مناطق موجب استعقای منصور هادی گردیدند. ولی وی با فرار به کشور عربستان از حمایت این کشور برخوردار گردید و موجب حمله نظامی عربستان به کشور یمن و قتل و عام مردم بی پناه گردیده است.

جنبش انصارالله (حوثی‌ها)

به دلیل ساختار و نقش بی‌بدلیل جنبش انصارالله بر انقلاب یمن و پیوستگی در طرح مطالبات و درگیری مستمر با حکومت، شایسته است که به این جنبش به طور کامل پرداخته شود. حوثی‌های یمن گروهی از شیعیان زیدی این کشور هستند. محل اصلی فعالیت آنان صعده است. آنان حکومت یمن را حکومتی وابسته به غرب می‌دانند و از سال ۲۰۰۳ میلادی دست به مخالفت با حکومت یمن زده‌اند. شعار اصلی آنان «الله اکبر، الموت لآمریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی اليهود، النصر للاسلام» به معنی "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام" است. این شعار را نخستین بار حسین الحوثی فرزند عالم زیدی مذهب بدرالدین الحوثی بر زبان آورد، که البته ملهم از انقلاب اسلامی ایران بوده است.

حسین حوثی اولین رهبر این گروه نیز بود که در سال ۲۰۰۵ میلادی در درگیری با نیروهای ارتش یمن کشته شد. رهبری این گروه بعد از حسین به پدرش بدرالدین و بعد از وی یعنی از سال ۲۰۰۶ به برادرش عبدالملک رسید. ارتش یمن در طول این سال‌ها، شش بار برای نابودی این گروه، به صعده حمله کرد. در جنگ ششم نیروهای عربستان نیز به کمک ارتش یمن آمدند اما موفق نشدند این گروه را از بین ببرند. این گروه که امروزه به نام انصارالله یا تنظیم الشباب المؤمن از آنان یاد می‌شود توانسته است از سال ۲۰۱۱ میلادی براستان صعده و از سال ۲۰۱۴ بر استان عمران مسلط شود.

مقدمات ظهور این جنبش را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: بخش اول، تأسیس انجمن شباب المؤمن و بخش دوم و اساسی، ندای الصرخه (فریاد) از جانب حسین بدرالدین الحوثی. تأسیس انجمن شباب المؤمن انجمن شباب المؤمن به گزارش برخی کتاب‌ها در سال ۱۹۹۰ و به گزارش برخی دیگر در سال ۱۹۸۶ میلادی به دست عده‌ای از علمای زیدیه با هدف تقویت مذهب زیدیه و جلوگیری از بروز تفرقه در این مذهب تأسیس شد. هسته اصلی این انجمن در استان صعده واقع در ۲۴۰ کیلومتری شمال صنعا پایتخت یمن شکل گرفت و به جذب جوانان و دانشجویان زیدی یمن پرداخت. در این انجمن کارگاه‌ها، کلاس‌ها و جلساتی مختلف، تحت

برنامه‌ای منظم برگزار می‌شد که طی آن‌ها چارچوب‌هایی فرهنگی آموزشی در زمان‌هایی خاص به‌ویژه در تعطیلات تابستان به دانشجویان ارائه می‌شد. محتوای این برنامه‌ها عبارت بود از: درس دینی مانند فقه، حدیث، تفسیر، عقاید و فعالیت‌هایی مانند ورزش، آموزش فن خطابه و برگزاری سخنرانی‌های آگاهی‌بخش. این مراکز با استقبال فراوانی از جانب جوانان یمنی مواجه شد و علاوه بر استان صعده که هسته مرکزی انجمن را در خود جای داده بود، در برخی استان‌های دیگر یمن نیز شعبه‌هایی دایر شد.

یکی از عوامل اصلی ایجاد انجمن شباب المؤمن و احساس تکلیف علمای زیدی نسبت به حرکت برای تقویت این مذهب و هوادارانش را می‌توان نفوذ روزافزون تفکر وهابیت در یمن دانست؛ چرا که در نزدیکی استان صعده و در منطقه دماج مرکز تبلیغ تفکر وهابی به‌دست یکی از عالمان افراتی این فرقه سربرآورده بود و با تمام توان به تبلیغ علیه شیعیان و زیدیه می‌پرداخت. نکته مهم در شخصیت حسین بدرالدین الحوثی، روحیه استکبارستیزی وی و دلبستگی وی به شخصیت والای امام خمینی(ره) است. وی به‌شدت تحت تأثیر شخصیت امام خمینی(ره) بود و همواره از او به‌عنوان امامی متقی و عادل یاد می‌کرد. وی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: هرکس که در مقابل انقلاب اسلامی ایران در زمان امام خمینی(ره) ایستاد و نتیجه این اقدام خویش را خواهد چشید. وی امام خمینی(ره) را نمونه بارز "امام عادل لا تُرَدُّ دعوته" می‌دانست. یعنی امامی عادل که اطاعت از او واجب است (ربیعی‌فر، ۱۳۹۳: سایت ترجمان).

ندای الصرخه‌ی (فریاد)

حسین بدرالدین الحوثی در تاریخ ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی با ایراد سخنرانی مهمی در مدرسه الهادی در منطقه مرآن نقطه عطفی جدید را در مبارزه با استکبار در یمن ایجاد کرد و در واقع آنچه از نور شخصیت امام خمینی(ره) با آینه دل خویش دریافته بود بر زبان آورد و موجب هراس دیکتاتوری یمن و کشورهای مستکبر شد. او در سخنرانی تاریخی خود با انتقاد از تجاوزات آمریکا به افغانستان، کشتار مسلمانان و زیاده‌خواهی وی در کشورهای اسلامی گفت: در برابر این اقدامات و ظلم‌ها آیا کاری از دست ما بر می‌آید و آماده هستیم که اقدامی کنیم؟ پس اگر آماده هستیم جواب کسی که بپرسد چه اقدامی انجام دهیم، چیست؟ من به شما می‌گویم ای برادران، فریاد بزنید. آیا شما قدرت فریاد زدن را ندارید؟ قدرت ندارید که فریاد بزنید: «الله اکبر، الموت لأمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنه علی الیهود، النصر للاسلام». این شعاری بود که حسین الحوثی از تمام مخاطبانش خواست تا فریاد بزنند و این شعار را تکرار کنند. او از آنان خواست که از این

پس این شعار را در تمام مساجد و تجمعات خویش فریاد زدند. این سخنرانی تاریخ‌ساز در یمن با عنوان "الصرخه فی وجه المستکبرین" به نقطه آغازی برای فعالیت‌های گسترده حوثی‌ها در یمن تبدیل شد و البته علاوه بر واکنش شدید رژیم علی عبدالله صالح، مخالفت برخی علمای زیدی را نیز در پی داشت (ربیعی فر، ۱۳۹۳: سایت ترجمان).

وضعیت شیعیان

با نگاهی به چگونگی زندگی شیعیان یمن، روشن می‌شود در زمان حکومت دولت یمن، شیعیان در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و نیز با دشواری‌ها و چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده‌اند. مانند: نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان؛ برخلاف کمبود منابع فرهنگی چون کتاب و دسترسی به روحانیون شیعه، تلاش‌های زیادی در تقویت پایه‌های مذهبی از جانب آنان انجام شده‌است؛ آزار و شکنجه و زندانی‌شدن شیعیان و علمای شیعی؛ جلوگیری از برگزاری مراسم؛ مانند جشن در عید غدیر. ولی با تمام محدودیت‌ها، آنان مراسم مذهبی خود را به‌طور پنهانی برگزار می‌کنند؛ توهین به ارزش‌ها؛ مانند تخریب مساجد و به آتش کشیدن علنی و قانونی کتاب‌هایی مانند «نهج‌البلاغه» و «صحیفه سجادیه» که با هماهنگی دولت یمن و وهابی‌های سعودی انجام می‌شود؛ دسترسی به رسانه‌ها؛ رادیو عربی جمهوری اسلامی ایران تنها رسانه در دسترس شیعیان یمن است (بارون، ۲۰۱۲).

تکوین علمی، فکری و ایدئولوژیک

با توجه به این‌که در اندیشه سیاسی حوثی تعریف خاصی از مشروعیت سیاسی شده است، وی کوشیده تا پیروان خود را براساس مبانی نظری‌ای تغذیه فکری کند که بر بخشی از مفهوم سنتی مشروعیت متکی است. پارادوکس این جاست که حسین و پدرش بدرالدین حوثی، در برابر پاره‌ای اندیشه‌های افراطی که در بخش‌هایی از سنت بر آن تصریح شده، همداستان بوده‌اند، اما این موضعشان مورد نقد و تحفظ مرجع اعلای شیعیان زیدی، مجدالدین المؤیدی قرار گرفته است و آن دو کوشیده‌اند تا وی را اقناع کنند که این نقد و تحفظ را پس از تأیید بدرالدین حوثی به کناری نهد. اما چیزی نگذشت که اختلافی دیگر میان دو طرف پدیدار گشت. سردسته یک طرف حسین حوثی و سردسته طرف دیگر محمد یحیی سالم عزان. یک دسته خواهان گشودگی به روی دیگران و گفت‌وگو و نواندیشی بود و دسته دیگر متمایل به تکرار دوباره موضوع فرهنگی و فکری و تمرکز بر قضایای سنتی قدیمی، و حسین حوثی از این گروه بود (دغشی، ۱۳۸۸: ۸).

روح سرکش و انقلابی گفتمان حوثی به دو عامل اصلی برمی‌گردد:

نخست: این روح و روحیه، خروجی یا برون داد طبیعی تربیت زیدی - هادوی است. این تربیت، ارزش نظر و تفکر را بسیار بالا می‌برد و به شخصی که به مرتبه اجتهاد دست یافته، حق اعمال نظر اجتهادی‌اش را می‌دهد. گویا حسین حوثی در خود اهلیت اجتهاد را دیده که از برخی آرای حاکم و رایج در مذهب زیدی شانه خالی کرده است. این کار او، خشم بعضی از برجسته‌ترین علمای مذهب زیدی را برانگیخت.

عامل دوم به این نقطه برمی‌گردد که بخشی از تکوین فکری و سیاسی حوثی، ریشه در مبانی اندیشه سیاسی زیدی دارد که اصل پنجم را امر به معروف و نهی از منکر برشمرده و لازمه ایمان به این اصل را رد و سرکشی و سرپیچی و شورش و محاربه و خون‌خواهی از هر حاکمی می‌داند که به فسق و فساد او باور حاصل می‌شود (دغشی، ۱۳۸۸: ۸).

اما از عوامل خارجی‌ای که به ظهور پدیده حوثی تا این حد کمک کرده است عبارتند از: بزرگداشت روز غدیر؛ شیعیان اثنی‌عشری روز هجدهم ذی‌الحجه هر سال را که به روز غدیر شناخته شده، جشن می‌گیرند. ریشه این مناسبت به حدیثی برمی‌گردد که هم شیعه و هم اهل سنت آن را اساساً صحیح می‌دانند و تنها بر سر کمی و زیادی برخی الفاظش اختلاف دارند. نسایی هم حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» را نقل کرده است. شعارهای جدید؛ داستان شعار جدید حوثی‌ها شایسته درنگ و ژرف‌کاوی است: الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسراييل، اللعنه ي علي البهود، النصر للاسلام. تبار این شعار به آغاز انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد؛ به زمانی که امام خمینی(ره)، چنین شعارهایی را در برابر شاه سر داد و تأثیر شگرفی بر دل‌های مردم نهاد. این شعارها در ایران هم سن و سال خود انقلاب است و هنوز هم در مساجد سر داده می‌شود و به لبنان هم به تناسب حضور پررنگ شیعیان انتقال یافته است (دغشی، ۱۳۸۸: ۹).

در زمانی که حسین حوثی از پیروان خود می‌خواست تا به فلسفه و برآیند و تأثیر این شعار بیندیشند، تأکید می‌کرد که امریکایی‌ها از طرح چنین شعارهایی خشمگین شده و اقدام به پاک کردن شعارها از در و دیوار صعد و صنعا کرده‌اند و از سر دادن آن جلوگیری می‌کنند، زیرا با برنامه‌هایشان تناقض دارد و توطئه‌هایشان را کشف می‌کند. اگرچه سفیر امریکا در صنعا این اقدام را چنین توجیه کرد که امریکا نمی‌خواهد، نزاع دینی میان این کشور و جهان اسلام پدید آید. از آن زمان تاکنون، این شعار به بخشی از مراسم اساسی حوثی در هرگونه فعالیت فرهنگی تبدیل شده است، زیرا در میانه سخنرانی‌ها و درس‌ها و گاه در پایان آن‌ها و نماز جمعه سر داده می‌شود (دغشی، ۱۳۸۸: ۹).

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و اعلام جنگ علیه تروریست باعث شد که دولت یمن به مهم‌ترین هم‌پیمان امریکا در این جنگ تبدیل شود. پیوستن دولت یمن به امریکا در مبارزه با تروریسم موجب افزایش حضور نیروهای نظامی و امنیتی امریکایی در یمن و حتی سفر مخفیانه هیأت‌های اسراییلی به صنعاً گردید. این امر اعتراض حسین الحوثی را در برداشت. وی در ژانویه سال ۲۰۰۲ خواستار تحریم کالاهای امریکایی و اسراییلی شد و شعار مرگ بر امریکا، مرگ بر اسراییل و نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام را به‌عنوان شعار رسمی شیعیان صعده اعلام نمود. اعتراض الحوثی را بسیاری از مردم یمن لبیک گفتند و گروهی از جوانان شیعه گروه الشبیب المومن را برای مبارزه با امریکا و اسراییل و هم‌پیمانی دولت یمن با آن ایجاد نمودند (سالدورگر، ۱۳۹۴: سایت صاحب نیوز).

انقلاب از دیدگاه‌های مختلف

قبل از پرداختن به انقلاب یمن لازم است که ابتدا تعاریفی از انقلاب و علل آن از دیدگاه‌های مختلف بیان گردد و سپس به تبیین انقلاب یمن خواهیم پرداخت.

انقلاب^۱ در لغت عربی به معنی قلب و تغییر در ساختار و ماهیت چیزی است. در قرآن نیز انقلاب به معنی دگرگونی و تغییر است. انقلاب در نگاه گیدنز چنین نقل شده است: "یکی به معنای تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد؛ و دیگری به معنای تحول شدید و ریشه‌ای و غیرسیاسی که به کندی و بدون خشونت صورت می‌گیرد، مانند انقلاب علمی، صنعتی، فرهنگی. وجه مشترک دو معنای لفظ انقلاب همان تحول شدید، اساسی و کلی است" (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۵۵).

یکی دیگر از تعاریف انقلاب از نگاه ساموئل هانتینگتون است. شخصی که این پدیده‌ی دگرگونی را در ابعاد خشونت و تغییر بنیادها می‌بیند و چنین می‌نویسد: "انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها، اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است" (کوهن، ۱۳۸۹: ۳۸) و از طرفی آرنست درباره تغییر بنیادها در یک جامعه دیدگاه دیگری ارائه می‌دهد. این که "انقلاب به آن پدیده‌ی اجتماعی گفته می‌شود که منجر به تغییر و تحول بنیادین و اساسی در زمینه‌های سیاسی و

^۱. Revolution

اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و ایدئولوژیکی یک جامعه با مشارکت مردم همراه با خشونت گردد" (آرنت، ۱۳۸۱: ۳۷).

بر اساس نظریه‌ی کوهن انقلاب دارای شش ویژگی است: ۱- تغییرات ارزش‌ها یا اسطوره‌های اجتماعی، ۲- تغییر ساختارهای اجتماعی، ۳- تغییر نهادها، ۴- تغییر در گروه حاکم، ۵- انتقال غیرقانونی قدرت و ۶- خشونت (کوهن، ۱۳۸۹: ۶۵-۳۵). در مجموع هر انقلاب دارای ویژگی‌هایی است که از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره کرد (استحاله ارزش‌ها، دگرگونی ساختاری، تغییر نهادها، تغییر نخبگان، قانون و مشروعیت، خشونت و رویدادهای خشونت‌آمیز، آشوب، شورش و قیام) (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۰).

در تبیین انقلاب‌ها می‌بایست از جنبه‌های گوناگون به موضوع پرداخته شود. جنبه‌های عمومی و خاص، عوامل داخلی و خارجی، نقش گفتمان‌های داخلی و خارجی می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. در انقلاب یمن از جنبه‌های مختلف می‌توان به موضوع نگریست. از جنبه‌های داخلی می‌توان به وجود تعارضات و اختلافات شدید بین جماعت حوثی‌ها و عبدالله صالح بر سر قدرت، عدم استفاده از نیروهای اجتماعی در ساختار حکومت، سوءاستفاده از رهبران قبایل، طرز اداره نادرست جامعه، عدم توجه به وضعیت معیشت و فقر مردم، استفاده از رانت‌های حکومتی توسط افراد وابسته به حکومت، فساد مالی و... اشاره کرد. از جنبه خارجی، وقوع انقلابات در کشورهای عربی با نام بهار عربی و به دیدگاه برخی دیگر بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۰ به بعد در سایر کشورهای عربی موجی از عدالت‌جویی و دموکراسی‌خواهی در کشور یمن نیز ایجاد شد و از این تاریخ به بعد مردم به‌طور مستمر بر سر دو موضوع یاد شده با حکومت و دستگاه‌های حکومتی درگیر بوده‌اند. از منظر گفتمانی و مذهبی می‌توان به نقش جنبش انصارالله از زمان آغاز و نقش ایدئولوژی‌ها و اهداف انقلاب‌های دیگر و رهبران آن بر جهت‌گیری رهبران حوثی‌ها مانند انقلاب اسلامی ایران از دو منظر درونی و بیرونی پرداخت.

علل انقلاب مردم یمن

نظام سیاسی حاکم در یمن با کارکرد علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور پیشین یمن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شخص اول حکومت یمن که بعد از ۱۲ سال ریاست جمهوری یمن، ۱۲ سال دیگر را نیز رئیس‌جمهور یمن بود. مدت طولانی موجب اقتدارطلبی و نفوذ روزافزون وی بر دایره‌ی دیکتاتوری شد. سیاست وی برای حکومت در یمن به چندین حوزه‌ی متفاوت تقسیم می‌شود. اولین حوزه در اوایل حکومتش معنای بیشتری می‌یافت و بعد از گذشت زمان حوزه دوم را عملی و گسترده کرد.

منظور از این مطلب، حوزه‌ی عملی و سیاسی صالح در حکومت دیکتاتوری وی است. صالح با تکیه بر قدرت ارتش و نیروهای نظامی از اوایل حکومت‌اش حکمرانی اقتدارگرایانه‌ای بر پا کرده بود. عملی که حوزه‌ی قدرت صالح را اثبات می‌کرد و زمینه را برای فعالیت‌های چپاول‌گرانه آماده می‌ساخت. وی بعد از قبضه کردن حاکمیت کشور از بعد نظارتی و کنترل اوضاع به نفع خود، سعی در به دست گرفتن پارلمان یمن داشت و همین امر او را بر آن داشت تا از طریق سوءاستفاده‌ی سیاسی و قدرت حاکمیت، دارایی‌های دولت مانند دارایی‌های عمومی، وظیفه‌ی عمومی و تسلط بر کمیته‌ی انتخابات، نیروهای مسلح و امنیت را برای تشکیل تک حزب خویش و تسلط آن در پارلمان تلاش کند. این امر حوزه‌ی دیگری از فعالیت‌های دیکتاتور منشی عبدالله صالح می‌باشد که حکومت و قدرتش را تثبیت کند. در واقع فقط قدرت رئیس‌جمهور مؤثر بوده و قوه‌های دیگر به عنوان پیرو و مجری سیاست‌ها و حکام‌ها و خواست‌های رئیس‌جمهور بودند. حتی قانون اساسی به گونه‌ای عزل و نصب اعضای قوه قضایی و قاضی‌های دادگاه را به رئیس‌جمهور واگذار کرده بود (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۱۰).

بر همین اساس رژیم یمن یک رژیم استبدادی و دیکتاتوری بود و جامعه‌ی یمن نیز به همین دلیل در برابر رهبران سیاسی هیچ جایگاهی نداشتند و به نوعی از تمام آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی بی‌بهره بودند. محرومیت‌های ناشی از اعمال قدرت برای جامعه‌ای که جز اطاعت و پیروی چاره‌ای نداشت، بحران‌هایی را به وجود آورد. اولین و بارزترین بحران رژیم صالح، بحران اقتصادی بود. بر اساس مطالعات انجام گرفته، اقتصاد یمن یک اقتصاد سودی در نظر گرفته شده و این اقتصاد برای تداوم و بقای خود بر منابع خارجی چه از عایدات فروش نفت و چه از کمک‌های بین‌المللی یا حواله پول مهاجرین یا آمیخته از برخی یا تمام همه‌ی این منابع اتکا می‌کند. نفت به مثابه محور اصلی توسعه به حساب می‌آید. بنابراین یک قسمتی از بحران امروز یمن به پیامدها، تغییرات و نتایج اقتصاد سودی برمی‌گردد و این‌ها عبارتند از: کاهش تولید نفت و قیمت آن و کاهش کمک‌های مالی خارجی. بنابر گزارش‌های اعلام شده ناکامی سیاست دولت در تحقق بخشیدن و توسعه و کاهش فقر به عوامل زیر برمی‌گردد. پایین بودن سطح زندگی نتیجه پایین آمدن سهم از منابع حاصلخیز داخلی می‌باشد؛ افزایش عجز و ناکامی بودجه عمومی؛ بالا بودن میانگین بیکاری؛ محدود بودن منابع اقتصادی از پول خارجی؛ افزایش بدهی‌های خارجی؛ به عقب برگشتن سطح خدمات حیاتی و اجتماعی؛ این برآوردهای ضعف اقتصادی یمن پیامدهایی از قبیل: ضعیف شدن توسعه اقتصادی در کشور؛ افزایش فساد و فقر در سطح عمومی جامعه؛ از بین رفتن تدریجی مشروعیت رژیم صالح؛ پیامدهای غیرقابل‌انکار در رفاه عمومی مردم به‌خصوص در بخش

بهداشت و سلامت جامعه؛ ضعیف شدن ارتباطات بین‌المللی جهت حل چالش‌ها؛ و افزایش فساد اقتصادی در نهادها و ارگان‌ها.

تمام موارد فوق‌الذکر حکایت از بحرانی می‌کند که در اثر وابستگی‌های اقتصادی صالح به دنیای غرب و خرج هزینه‌های ناعادلانه برای حفظ قدرت و به اصطلاح امنیت حکومت خویش می‌کرد. هر چند این ضعف سیاسی در مدیریت اقتصادی یمن بحران عظیم حیات جامعه را نیز به خطر می‌انداخت اما چنان‌چه یاد شد، عوامل تأثیرگذار در روند تحولات و جنبش‌ها را تحت تأثیر خود قرار نداد. بحران توزیع قدرت مسأله ناعدالتی در ارزش‌های جامعه یکی از برجسته‌ترین چالش‌های یمن بود. وجود فرقه‌ها و مذاهب به‌خصوص در یمن و نوع رفتار حکومت باعث پیدایش چنین بحرانی شده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۱۰).

برخلاف کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بیشتر مناعشات داخلی یمن بر سر اعمال قدرت و یگانگی در کشور نیست بلکه یکسان‌انگاری در نظام‌های سیاسی و اجتماعی یمن از سوی دولت، موضوع اصلی درگیری‌های قبیله‌ای و قومی است. از طرفی هم وجود گروهکی چون القاعده در یمن خود به تنهایی بحران و چالش بزرگ در منطقه محسوب می‌شود (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۱۰).

همان‌طور که ذکر آن به میان آمد، فعالان سیاسی یمن به چهار گروه مختلف تقسیم شده‌اند: قبیله، حوثی‌ها، جنبش جدایی‌طلب جنوب، و القاعده. عامل فعالیت‌های این فعالان حکومت استبدادی صالح می‌باشد که اقتدارگرایی را اصل بقاء خود می‌دانست. تا بدان جا که محمود واعظی به نقل از فرید زکریا درباره تعیین شرایط حکام عربی و مخاطرات فضای خاورمیانه چنین می‌نگارد. "حکام عرب خاورمیانه، اقتدارگرا، فاسد و سرکوب‌گر هستند. آنان تمایلی به برگزاری انتخابات ندارند. انتخابات در این کشورها زمینه‌ی شکل‌گیری بحران‌های سیاسی را به‌وجود می‌آورد. احزاب سیاسی نیز نگاه تحقیرآمیزی نسبت به حکومت‌ها دارند؛ زیرا دو مجموعه‌ی یاد شده هر دو در تعارض با یکدیگرند. در خاورمیانه آن‌هایی که مدافع دموکراسی هستند، بیش از همه به اوهام، انکار و خودفریبی پناه می‌برد. این منطقه از نگاه بدبینانه نسبت به یکدیگر لبریز است. به این ترتیب، می‌توان میان دولت‌های اقتدارگرا از یک سو و جوامع غیرلیبرالی از سوی دیگر تفاوت قائل شد. هیچ‌یک از آن‌ها زمینه‌ی باروری برای دموکراسی به‌وجود نمی‌آورند. نوعی فضای سیاسی آکنده از تندروی و خشونت در آن‌ها وجود دارد، این امر انگیزه‌ای برای دولت‌ها می‌شود تا سرکوب بیشتری را اعمال نماید" (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

البته تمامی موارد ذکر شده مربوط به جنبه‌های داخلی و درونی انقلاب مردم یمن می‌باشد. همان‌گونه که در مطالب قبلی بیان شد علاوه بر جنبه‌های درونی، جنبه‌های بیرونی این انقلاب نیز قابل بررسی است. عواملی مانند نقش ایدئولوژی‌ها و تفکرات کشورها و انقلابات دیگری چون: انقلاب اسلامی ایران و انقلابات عربی که در ادامه به نقش ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران و تفکرات امام خمینی(ره) بر آن می‌پردازیم.

اندیشه‌های امام خمینی(ره) و نقش آن بر کشور یمن

از مهم‌ترین دیدگاه‌ها و اصول محوری در سیره نظری و عملی امام خمینی(ره)، در موضوع سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی، صدور انقلاب، لزوم وحدت امت اسلامی، مبارزه با ظلم و استبداد و عدالت‌خواهی است. صدور انقلاب از موضوعات مورد توجه امام خمینی(ره) بود که به معنای صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورهای جهان است. از دیدگاه امام(ره)، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است. به باور ایشان، «ما با صدور انقلاب مان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی(ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم» (در جستجوی راه از کلام امام، ۱۳۶۲: ۴۳۵). البته ایشان برای جلوگیری از سوءاستفاده از معنای صدور انقلاب و برداشتهای منفی از آن یاد آور می‌شدند که تحقق چنین امری به معنای کشورگشایی نیست بلکه معنی صدور انقلاب این است که همه ملت‌ها و همه دولت‌ها با اقتداء به انقلاب اسلامی ایران و بهره‌مندی از تجربه این کشور، بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری در دست ابرقدرت‌ها نجات داده و به استقلال دست یابند (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۴۱۳).

موضوع وحدت اسلامی نیز در اندیشه امام به وفور یافت می‌شود و می‌توان آن را از اهداف سیاست خارجی نظام سیاسی اسلامی دانست. امام، حفظ ایمان و وحدت کلمه را مایه حفظ نهضت اسلامی می‌دانستند و اذعان می‌داشتند که ما هرچه داریم از این ایمان و وحدت کلمه است (صحیفه نور ج ۶، ۱۳۸۶: ۳۴۷). امام، کراراً تذکر می‌دادند که دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت‌آمیز با همه کشورهای عالم است و امروز نیز که تنها قدرت منطقه است، همان مطلب را تکرار می‌کند و صلاح مسلمانان را در وحدت مقابل جهان‌خواران و سلطه‌جویان می‌داند، و نفاق و تفرقه را همان نحو که قرآن کریم فرموده است، موجب شکست و هلاکت به‌شمار می‌آورد (صحیفه نور ج ۱۷، ۱۳۸۶: ۴۸۳).

در وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام نیز به اهمیت وحدت اسلامی به خوبی اشاره شده و از علمای اعلام و خطبای کشورهای اسلامی خواسته شده که ملتها را دعوت به وحدت کنند؛ و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری و برابری ایمانی با همت دولت‌ها و ملتها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، بزرگ‌ترین قدرت جهانی توسط مسلمین تشکیل خواهد گردید (صحیفه نور، ۲۱، ۱۳۸۶: ۴۲). در مبارزه با ظلم و استبداد و عدالت‌خواهی که با روح اسلام سازگار است، امام بیانات زیادی داشته‌اند.

" یحیی محمد"، فعال سیاسی یمن و عضو جنبش «انصارالله» این کشور در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی(ره) به پیروزی رسید، انقلابی در جهت مبارزه با استعمار و استکبار جهانی بود و این انقلاب کمک به مستضعفین و مظلومین و آزادگان جهان را یکی از اهداف و رسالت‌های مهم خود معرفی کرد. عضو جنبش انصارالله یمن در ادامه این گفت‌وگو، آمریکا را دشمن نخست مسلمانان جهان خواند و گفت: دولت‌های حاشیه خلیج فارس نیز مزدوران آمریکا هستند که در دشمنی با اسلام کمتر از استکبار جهانی نیستند و در حقیقت اینان هستند که باعث تشتت و تفرقه جهان اسلامی شده‌اند.

وی در خصوص تأثیر اندیشه امام خمینی(ره) بر انقلاب یمن گفت: کافی است که بگویم حرکت و جنبش انقلابی یمن، با الهام از اندیشه امام خمینی(ره) آغاز شده و خواست اصلی انقلابیون اجرای عدالت و دموکراسی در کشور، کوتاه‌کردن دست قدرت‌های جهانی از یمن و حفظ استقلال است. یحیی محمد یادآور شد: انقلاب اخیر یمن و پیروزی که انقلابیون کسب کردند با الگوگیری و پیروی از انقلاب اسلامی ایران محقق شد و انقلاب یمن قدم‌به‌قدم از انقلاب اسلامی ایران متأثر است و خطمشی انقلاب ایران را پی گرفته است.

این فعال سیاسی یمن، حمایت از فلسطین و مقابله با رژیم اشغال‌گر قدس را یکی از اصول مهم انقلاب اسلامی ایران دانست و گفت: هر چند که غرب در سه دهه گذشته با ادعای روند سازش، تلاش کرده تا این مهم را از میان ملتها منطقه دور سازد، اما انقلاب‌های عربی نشان داد که این کشورها نیز با الگوگیری از ایران، دشمن اصلی خود یعنی رژیم صهیونیستی را شناخته و خواستار مقابله با آن هستند. یحیی محمد در خصوص مبارزه و نقش انقلاب اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی و رشد اسلام‌گرایی گفت: انقلاب اسلامی ایران که اصلی‌ترین هدف آن

آزادی و آزادگی است، اساسی‌ترین رکن مبارزه با اسلام‌هراسی در جهان اسلام به‌شمار می‌رود (یحیی، ۱۳۹۴).

البته، همان‌گونه که در مباحث قبلی بیان شد، نقش کاریزماتیک امام خمینی(ره) در خاورمیانه و جهان و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری ایشان، عامل اثرگذار بر رهبران جنبش انصارالله و جماعت حوثی‌ها بوده است. به‌ویژه این که این گروه به‌دلیل داشتن افکار شیعی همسو با شیعیان ایران تحت تأثیر قرار گرفته و اقدام به فعالیت‌هایی در این زمینه نموده‌اند. تأثیر امام خمینی(ره) بر رهبران این جماعت به قدری بوده که حتی در انتخاب شعار نیز از مدل انقلاب اسلامی ایران الگوبرداری کرده‌اند. هرچند که تأثیر این شعارها در ابتدا کم بوده ولی به‌دلیل روح عدالت‌طلبی و دموکراسی‌خواهی در بین آحاد ملت یمن، این شعارها به‌عنوان شعار مطرح در تمامی اعتراضات و اعتصابات و درگیری‌ها نمود داشته است.

انقلاب اسلامی ایران و نقش آن بر کشور یمن

پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در حرکت جنبش‌های اسلامی به‌حساب می‌آید. همان‌گونه که بیان شد، نهضت انقلابی ایران مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) به‌صورت حرکتی اسلامی با ماهیتی الهام‌بخش بر سایر نهضت‌های اسلامی به پیروزی رسید. نظریه صدور انقلاب که توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی مطرح شد با سازوکارهای مختلفی که متناسب با شرایط زمانی و مکانی جهان اسلام باشد پیش رفت و از طرفی نیز بسترهای لازم در کشورهای مسلمان بنابر دلایلی که ذکر شد، ایجاد شده بود. لذا جنبش‌های اسلامی در (لیبی، تونس، مراکش، الجزایر و برخی کشورهای دیگر اسلامی) استقبال گسترده‌ای از انقلاب اسلامی کردند. این استقبال با توجه به دلایل زیر صورت گرفت.

الف) اسلامی بودن انقلاب ایران در تأکید بر (اسلامیت انقلاب نه شیعی بودن آن) به‌عنوان راهکار اصلی پیروزی انقلاب اسلامی.

ب) انقلاب اسلامی متأثر از اندیشه‌های حضرت امام و رهبری ایشان توانست رژیم را نابود کند که دست‌نشانده استکبار و ژاندارم منطقه بود و نشان داد که استکبار هر قدر هم که قوی باشد در برابر اراده انسان‌های آزاد و مسلمان چیزی نیست، لذا ملت‌های مسلمان دیگر نیز می‌توانند رژیم‌های دست‌نشانده و ظالم خود را که به مراتب ضعیف‌تر از رژیم شاهنشاهی ایران است نابود کنند.

ج) امام به‌وسیله انقلاب اسلامی و مردم مسلمان ایران توانست در مقابل استکبار جهانی بایستد که پیش از این جنبش‌های اسلامی تحت فشار حکومت‌های خود، خویش را قادر به این کار نمی‌دیدند. لذا حرکت انقلاب اسلامی در برابر فشار استکبار و تحمل آن‌ها باعث افزایش ضریب سختی‌پذیری و تحمل‌پذیری سایر جنبش‌های اسلامی در برابر استکبار شد.

د) تأکید بر نمادهای مشترک که بین تمام مذاهب اسلامی مشترک است مانند شعار "الله‌اکبر". (سایت پرسمان سیاسی)

آنچه شایان توجه است این است که از لحاظ فکری و ایدئولوژیک بیشتر انقلاب‌های شکل گرفته در جریان بیداری اسلامی (بهار عربی) ملهم از انقلاب اسلامی و روح مبارزه‌طلبی و استکبارستیزی و عدالت‌طلبی آن شکل گرفته است و این تفکر با این که در بیشتر کشورهای عربی اسلامی شکل گرفته بود، ولی نیازمند جرقه‌ای بود که تا زمان شروع انقلاب تونس در سال ۲۰۱۰ آغاز نگردیده بود. با شروع انقلاب تونس می‌توان گفت که سایر کشورها نیز برای احیای عدالت و دموکراسی سر به شورش و یا طغیان و مخالفت با حاکمان پرداختند. از جمله این کشورها در جریان بیداری اسلامی، کشور یمن می‌باشد. البته نقش انقلاب اسلامی ایران را از دو منظر می‌توان بررسی کرد. از منظر ایدئولوژیک و دینی که نقش بی‌بدلیل امام خمینی (ره) و افکار وی و نوع پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شعارها و اهداف آن می‌باشد. و از منظر سیاسی که نقش انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان حامی و یا طرفدار جنبش انصارالله قابل بررسی است.

جنبه ایدئولوژیک و درونی آن در قسمت‌های قبلی مورد بررسی قرار گرفت. ولی از لحاظ سیاسی نظر جمهوری اسلامی ایران اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ و در زمان پایان جنگ هشت ساله عراق و ایران به یمن جلب شد. در سال ۱۹۹۰ زمانی که یمن و عربستان سعودی در پی تصمیم صناعاً برای حمایت از عراق پس از حمله صدام حسین به کویت دچار اختلاف نظر شدند، تهران از فرصت بهبود روابط با صناعاً استفاده کرد. اما یمن در آن زمان در موقعیتی قرار نداشت که توجه ایران را به خود جلب کند و از این رو، تأثیرگذاری و نفوذ ایران در یمن طی این سال‌ها بیشتر تأثیرگذاری ایدئولوژیک بود.

با این حال، یمن به مرور زمان به طور فزاینده به صحنه زورآزمایی میان ایران و عربستان تبدیل شده است. جنگ داخلی یمن در سال ۲۰۰۹ به خاک عربستان سعودی نیز کشیده شد و ریاض در پی نگرانی از هرگونه اقدام تهران برای کمک به براندازی صالح، به حمایت از وی ادامه داد. تهران در سال ۲۰۱۲ از برکنار شدن صالح از قدرت استقبال کرد و مقامات ایرانی حمایت خود را از

حوثی‌ها ابراز داشتند، اما میزان مداخله آن‌ها در تحولات یمن و حمایت آن‌ها از حوثی‌ها به دلیل مسائل سیاسی و امنیتی در حد حمایت از مستضعفین و کمک‌های انسان دوستانه بوده است. هنگامی که حوثی‌ها (گروه شیعه زیدی) کنترل را در یمن در دست گرفتند و عبدربه منصور هادی رئیس‌جمهور تحت حمایت غرب در صفا مجبور به استعفا و فرار از پایتخت شد، بسیاری در منطقه به این نتیجه رسیدند که یکی دیگر از کشورهای عرب تحت کنترل ایران درآمد. اما در این اظهار رعب و وحشت از افزایش نفوذ ایران در منطقه که بیشتر از سوی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس مطرح می‌شود، نقش ایران در تحولات یمن احتمالاً بزرگنمایی شده است؛ سابقه جنگ و درگیری داخلی در یمن به چندین دهه قبل باز می‌گردد و ایران هیچگاه نقشی تعیین‌کننده در روند تحولات ایفا نکرد. اگرچه این مسأله نیز صحت دارد که رد پای ایران در خاک یمن همواره قابل مشاهده بوده است، حتی پیش از انقلاب اسلامی، شاه ایران در دهه ۱۹۶۰ از جنگجویان یمنی در برابر شبه نظامیان مارکسیست حمایت کرد. در زمان حال نیز می‌توان رد پای ایران را در تحولات یمن مشاهده کرد؛ اگرچه در روند قدرت گرفتن حوثی‌ها و طبق برخی ادعاها کودتا در صفا، نشانه‌ای از جاه‌طلبی‌های تهران دیده نمی‌شود، اما پس از تحولات یمن نیز نمی‌توان به‌طور کلی منکر نقش سیاسی ایران شد. ولی بعد از مشکلات به‌وجود آمده به دلیل حمله نظامی عربستان به یمن به حمایت از منصور هادی رئیس‌جمهور مستعفی و نابودی زیر ساخت‌ها و قتل و عام انسانها، نقش سیاسی ایران در یمن تنها به رایزنی‌های سیاسی و دیپلماتیک و کمک‌های بشر دوستانه از قبیل غذا و دارو بوده است. و ایران هیچ‌گاه نخواسته که به‌طور نظامی یا مستقیم در جنگ داخلی اعراب حضور یابد (واتانکا، سایت آی آر دیپلماسی).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد زبان، قبیله و دین از عناصر مهم هویتی ملت‌های خاورمیانه به‌شمار می‌روند و در منطقه خاورمیانه ارتباط مذهب و سیاست بیشتر از نقاط دیگر مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست داخلی و خارجی کشورهای منطقه همان هویت دینی است. جدایی دین از دولت همان‌گونه که در غرب رخ داد در این منطقه ایجاد نشد و حاکمان منطقه داعیه رهبری دینی داشتند.

دو عامل اثرگذار بر سیاست‌ها و برنامه‌های این کشور وجود قبیله‌گرایی و پایگاه‌های القاعده در این کشور است. ضمن این‌که تقسیمات کشوری شمالی و جنوبی نیز عامل درگیری‌های بی‌شماری بین شیعیان زیدی و حکومت مرکزی در جنوب گردیده است. نقش الگوهای قبیله‌ای

در ساختار سیاسی قدرت و رفتار مردم بسیار مشهود است. حضور شیعیان زیدی در شمال و تسلط آن‌ها بر مناطق صعده و عمران و وجود ضدیت و نارضایتی آن‌ها از حکومت عبدالله صالح به دلیل جنگ‌های متعدد و کشتار شیعیان، موضع‌گیری ضد شیعی، نبود مدیریت در حل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و عدم بکارگیری شیعیان در ساختار حکومتی خود عامل بروز اختلافات و تعارضات را باعث گردید. اعتراضات شیعیان زیدی به رهبری حسین الحوثی در سال ۲۰۰۳ آغاز گردید که موجب بروز جنگ‌های خونین و کشتار فجیع شیعیان شد. ضدیت بیشتر حوثی‌ها که اکنون به جنبش انصارالله معروف هستند به دلیل ساختار وابسته حکومت به غرب و آمریکا می‌باشد. شعارهایی مانند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل آن‌ها ملهم از شعارهای انقلاب اسلامی ایران و برگرفته از ویژگی‌های امام خمینی(ره) می‌باشد.

همان‌گونه که بیان شد نقش عوامل مختلفی مانند قبیله و نوع برداشت از دین در کنار الگوبرداری از انقلاب‌های ایران و بهار عربی موجب بروز انقلاب در یمن گردید. البته در ریشه‌یابی این انقلاب عوامل داخلی و خارجی مختلفی نقش داشته‌اند. و هر کدام از این عوامل نقشی کم و زیاد داشته و انقلاب یمن را به این مرحله رسانده است. لازم به ذکر است که در بعضی از مقالات از انقلاب یمن به‌عنوان نوعی آشوب و هرج و مرج یاد شده که این نوع برداشت در نگاه کلی و رویکرد دوگانه انقلاب (اصلاحی، براندازی) قابل بررسی است. با توجه به نوع هدف شکل گرفته در بین مردم و مخصوصاً جنبش انصارالله که با الهام از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تفکرات امام خمینی(ره) بوده است، و به جهت دستیابی به عدالت و دموکراسی نداشته در زمان حکومت عبدالله صالح و با جرقه انقلاب‌های عربی مانند تونس و مصر شکل گرفته است. و با لحاظ این دیدگاه که البته هنوز تا به نتیجه رسیدن این انقلاب راه زیادی مانده است، نمی‌توان آن‌را آشوب نامید. تغییر در ساختار حکومتی مستبدانه حاکمان قبلی و اصرار در انقلاب تا برکناری وی، جانمایی منصور هادی و ادامه همان سیاستها که منجر به ادامه اعتراضات گردید، و در نهایت به استعفای وی منجر شد، حملات عربستان به حمایت از رئیس‌جمهور مستعفی و استقامت مردم و جنبش انصارالله در مقابل آن، همگی نشان از روح انقلاب‌طلبی و مبارزه‌جویی برای تحقق عدالت اسلامی است. پس در ایجاد این انقلاب دو عامل داخلی (مبارزات جنبش انصارالله با حکومت، روح عدالت‌جویی و دموکراسی‌خواهی، فساد مالی در دستگاه حکومتی، فقر و تبعیض، و نقش رهبران شیعی) را می‌توان برشمرد، و در عامل خارجی می‌توان از (نقش تفکرات امام خمینی(ره) در الهام‌بخشی به رهبران جنبش و سرایت شعارها و اهداف انقلاب اسلامی بر آن‌ها، نقش

انقلاب‌های عربی، دخالت‌های نابجای عربستان و آمریکا را نام برد). که هر دو عامل نقشی اساسی در ایجاد انقلاب و مبارزه بر علیه ظلم و فساد دستگاه حکومتی داشته است.

منابع

۱. آرنت، هانا، (۱۳۸۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت اله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲. امام خمینی (ره)، (۱۳۵۹)، *دیدار با نمایندگان کشورهای اسلامی تهران*، عید قربان ۱۴۰۱ ه ق- ۲۸ مهر
۳. _____، (۱۳۶۲)، *در جستجوی راه از کلام امام*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴. _____، (۱۳۷۴)، *آیین انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. _____، (۱۳۸۶)، *صحیفه نور*، جلد ۲۱، ۱۷، ۶، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. امیر عبداللهیان، حسین، (۱۳۹۰)، "ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم شماره دوم.
۷. بیلینس و اسمیت، (۱۳۸۲)، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
۸. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «عربستان و رؤیای تسلط بر یمن»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۷.
۹. خسروشاهی، هادی، (۱۳۷۹)، *نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه صدیقی، کلیم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. کوهن، آلوین استانفورد، (۱۳۸۹)، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر قومس.
۱۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۲. موسوی، سیدمحمد؛ باقری، مریم؛ موسوی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، "علل و ریشه‌های خیزش مردم کشورهای لیبی و یمن ۲۰۱۱-۲۰۱۰"، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۲۳.

نظریه سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی... □ ۲۲۹

۱۳. نیاکوئی، سیدامیر، (۱۳۹۰)، "تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت"، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.

۱۴. هینه‌بوش، ریموند، (۱۳۸۶)، سیاست هویت در روابط بین‌الملل، ترجمه گل محمدی، علی، کتاب روابط بین‌المللی خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

۱۵. _____، (۱۳۹۴)، تأثیر اندیشه‌های امام(ره) بر جنبش‌های اسلامی معاصر، به نشانی: siasi.porseman.ir

۱۶. جوکار، مهدی، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲، "نگاهی به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیدی‌های یمن"، سایت پرسمان سیاسی، سال ۱۳۹۱، به نشانی: siasi.porseman.ir

۱۷. دغشی، محمد احمد، ۱۳۹۴/۲/۱۲، "تبارشناسی حوثی‌ها"، سایت حوزه (مجله پگاه حوزه، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲)، به نشانی: <http://www.hawzah.net>

۱۸. ربیعی فر، احمد، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵، "جنبش انصارا... یمن (حوثی‌ها)"، سایت ترجمان به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۴، به نشانی: <http://www.tarjoman.com>

۱۹. سالدورگر، الهه، ۱۳۹۴/۱/۲۰، "جنبش حوثی‌ها، مطالبات و آینده یمن"، سایت صاحب نیوز به نشانی: <http://sahebnews.ir>

۲۰. سایت سیا، کتاب حقایق جهانی، ۱۳۹۴، به نشانی cia.gov/the_world_factbook

۲۱. واتانکا، الکس، ۱۳۹۴، "بازی ایران در یمن"، مترجم: طلا تسلیمی، سایت آی آر دیپلماسی به نشانی: <http://www.irdiplomacy.ir>

۲۲. یحیی، محمد، ۱۳۹۴، گفتگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به نشانی: <http://www.iqna.ir>

23. Craig, Edward (1965); *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Routledge.
24. Martin, Griffiths (1999), *Fifty key Thinkers in international-relations*, London; Routledge.
25. Baron, Adam (30 October 2012). "Yemenis suspect Iran's hand in rise of Shiite rebels". *Christian Science Monitor*. Retrieved 20 June 2014.
26. "Houthis celebrate birth of Prophet Muhammad". *Al Jazeera*. 25 January 2013. Retrieved 12 July 2014.